


The Study of Criminology of Rape in the Criminal System of Iran and Islamic Jurisprudence

Article Info	ABSTRACT	
Article Type: Research Article	Rape can be considered as the most significant sexual offence. This research which is written with descriptive-analytical method aims to answer the question that what are the most important criminology components of rape in the criminal system of Iran and Islamic jurisprudence? Rape simply means the sexual relationship between a man and woman other than his legal wife without her consent. The study of criminology of rape requires its characteristics, etiology, and responsiveness. High social obscenity, high risk, serious punishment, and significance of the related penalties are some of the most important features of rape. The punishment of this offence has sundry fundamentals of criminology (imitation and danger) and jurisprudence (harmless, the significance of modesty and purity in Islam and obscenity of liaison). The lack of proper sexual education and marriage challenges are some of causes of rape. There are preventive criminal and non-criminal responses (situation-based, social, and premature) to this offence. The study found that rape has special criminology components both in the criminal system of Iran and the scope of Islamic jurisprudence that should always be considered.	
Article history: Received Received Accepted Published Online		
Keywords: <i>Criminal Law,</i> <i>Criminology Teachings,</i> <i>Family Institution,</i> <i>Islamic Jurisprudence,</i> <i>Rape.</i>		
<hr/>		
Cite This Article:. The Study of Criminology of Rape in the Criminal System of Iran and Islamic Jurisprudence. <i>Islamic Jurisprudence Research</i> , 19 (3), 21-30. DOI: https://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137		
	© The Authors: Publisher: University of Tehran Press. DOI: https://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137	

مطالعه جرم شناختی زنای به عنف در نظام کیفری ایران و فقه اسلامی

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	زنای به عنف را می توان مهم ترین بزه جنسی به شمار آورد. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده، درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که مهم ترین مؤلفه های جرم شناختی زنای به عنف در نظام کیفری ایران و فقه اسلامی چیست؟ زنای به عنف به زبان ساده به مفهوم برقراری رابطه جنسی میان مرد و زنی به جز همسر قانونی او بدون رضایت وی است. مطالعه جرم شناختی زنای به عنف مستلزم ویژگی شناسی، علت شناسی و پاسخ شناسی آن است. قبح اجتماعی بالا، ریسک زیاد، سزادهی شدید و اهمیت جرایم مرتبط برخی از مهم ترین ویژگی های زنای به عنف است. سزادهی این بزه میبانی گوناگون جرم شناختی(تقلید و خطرناکی) و فقهی(لاضرر، اهمیت عفت و پاکدامنی در اسلام و قبح رابطه نامشروع) را دارد. نبود تربیت و آموزش جنسی مناسب و چالش های فراروی ازدواج برخی از علل زنای به عنف است. پاسخ های پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری(موقعیت مدار، اجتماعی و زودرس) در برابر این بزه وجود دارد. این پژوهش دریافته است که زنای به عنف هم در نظام کیفری ایران و هم در گستره فقه اسلامی مؤلفه های جرم شناختی ویژه ای دارد که باید همواره بدانها توجه شود.
تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:	واژگان کلیدی: آموزه های جرم شناسی، زنای به عنف، حقوق کیفری، فقه اسلامی، نهاد خانواده.

استناد: مطالعه جرم شناختی زنای به عنف در نظام کیفری ایران و فقه اسلامی. پژوهش های فقهی، ۱۹ (۳)، ۲۱-۳۰.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137>



© نویسنده: DOI:

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

<https://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137>

مقدمه

جرم واقعیتی آشکار در زندگی انسان است که امکان دارد در گستره هر یک از گونه‌های کنشگری وی روی دهد. بنابراین مطالعه فراگیر این پدیده در حوزه‌ای که علوم جنایی خوانده می‌شود، از نزدیک به چهار هزار و پانصد سال پیش تاکنون در جوامع انسانی دیده می‌شود.

افزون بر این تردیدی نیست که شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌ها برای پاسخ‌دهی به جرایم یکی از بنیادی‌ترین وظایف حاکمیت‌ها بوده و ارزیابی جرم‌شناختی معیارهای به‌زامداری و حکمرانی مطلوب نیز از این راه انجام می‌شود. (حسانی و دیگران، ۲۸:۱۴۰۰) در واقع، در هنگام برنامه‌ریزی کنش‌های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده‌های گوناگون بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی خود در ارتکاب رفتارهای جامعه‌ستیزانه مشارکت دارند. (Piquero, 2016: 16) بنابراین پیش‌بینی مناسب‌ترین و کارآمدترین پاسخ‌ها در برابر بزه‌کاری در شمار رسالت‌های بنیادین نظام‌های عدالت کیفری است.

یکی از گونه‌های جرم که پاسخ‌دهی کنشی و واکنشی در برابر آن به دلایل گوناگون همواره با حساسیت‌هایی همراه بوده، جرایم جنسی است. از میان این جرایم نیز زنا و به ویژه زنا به عنف به دلیل واقعیات انکارناپذیر هم‌پیوند با خود مقتضی پیاده‌سازی چهره‌های ویژه‌ای از واکنش‌ها بوده‌اند.

به طور کلی به دلیل تفاوت‌های مبنايي نظام‌های گوناگون کیفری عرفی یا شرعی به موضوع آزادی جنسی، چگونگی قاعده-گذاری کیفری پیرامون زنا در آنها با جلوه‌هایی گاه ناهم‌اند همراه شده است. با این وجود در بیشتر این نظام‌ها زنا به عنف با شدت‌گرایی کیفری همراه شده است.

با توجه به پیشرفت‌های آشکار در قلمرو دانش جرم‌شناسی در سده‌های گذشته، واکاوی جرم‌شناختی بزه زنا به عنف و سزادهی مقرر در آن اهمیت بسیاری داشته و می‌تواند به ارزیابی هر چه دقیق‌تر رویکردهای موجود در چارچوب‌هایی همانند نظام کیفری ایران و یا فقه اسلامی در این خصوص بیانجامد.

بر پایه این مراتب، این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده، درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های جرم‌شناختی زنا به عنف در نظام کیفری ایران و فقه اسلامی چیست؟ برای دستیابی به این هدف، پس از مطالعه مفهوم‌شناسی و ویژگی‌های این بزه، مبانی، علل رخداد و سرانجام مهم‌ترین پاسخ‌های پیشگیرانه فراروی آن بر پایه الگوی مداخلات جرم‌شناختی از نظر گذرانده می‌شود.

۱. زنا به عنف

این نوشتار به واکاوی جرم‌شناختی زنا به عنف می‌پردازد. از همین‌رو ارایه شناختی فراگیر از این جرم ضرورت دارد. در ادامه، مفهوم‌شناسی و نیز ویژگی‌های زنا به عنف بررسی می‌شود.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

به زبان ساده می‌توان زنا را به برقراری رابطه جنسی میان مرد و زنی به جز همسر قانونی او خواه در چارچوب نکاح دائم و خواه نکاح موقت تعریف کرد. ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.»

این جرم خود دارای دو گونه است. زنا به عنف یا اکراه هنگامی است که زن در این جرم رضایتی به ارتکاب آن نداشته و در واقع بزه‌دیده زانی است. اما گونه دوم آن یا زنا طرفینی هنگامی است که زن نیز بدان رضایت داشته باشد.

ماده ۲۲۴ ق.م.ا نیز مقرر می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

مطابق بند ت در ماده ۲۲۴ ق.م.ا اشعار می‌دارد که: زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

به استناد تبصره ۲ ماده مذکور هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه

موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.» حقوق دانان در تعریف اکراه چنین بیان می کنند که اعمال فشار مادی یا معنوی غیر قانونی بر دیگری به نحوی که او را بر خلاف میل و به خاطر ترس از ورود صدمه به جسم و جان و یا ضرر و زیان به انجام کار یا ترک وظیفه ای وادار کند. (ولیدی، ۱۳۸۰: ۱۵۹)

۲-۱. ویژگی‌ها

مطالعه جرم‌شناختی یک بزه در آغاز مستلزم آشنایی با هریک از ویژگی‌های آن است. بنابراین در ادامه، هر یک از ویژگی‌های زنای به عنف بررسی می‌شود.

۱-۲-۱. قبح اجتماعی بالا

یکی از معیارهای سنجش جرایم گوناگون، میزان قبح اجتماعی آنها است که می‌تواند در تعیین میزان و شدت ضمانت‌اجرای کیفری تعریف شده برای آن نیز اثرگذار باشد.

از این دیدگاه جرایم جنسی از دیرباز با قبح اجتماعی بالای خود شناخته شده‌اند و در نتیجه این جرایم همواره با واکنش کیفری کمابیش شدیدی در مقایسه با بسیاری از دیگر جرایم مشخص می‌شوند.

با توجه به این ویژگی باید پذیرفت که به دلیل دامنه انبوه مخاطرات گوناگون و گاه بازسازی‌ناپذیر برخاسته از زنای به عنف لازم است تا آنجا که امکان دارد در راه پیشگیری از ارتکاب این بزه جنسی پریسک کوشش شود.

۲-۲-۱. ریسک زیاد

دیگر ویژگی بزه زنای به عنف، ریسک زیاد آن است. از همین‌رو نظام کیفری باید تا آنجا که ممکن است با در پیش گرفتن رویکردهای عملیاتی مناسب از دامنه آثار ناگوار این بزه کاسته و مدیریت کیفری مناسب آن را به همراه آورد.

دلیل این پندار آن است که زنا در گروه جرایم جنسی جای دارد. در جرایم جنسی با عنفو اکراه، بزه‌دیده علاوه بر تعرض به جسم و تمامیت فیزیکی از لحاظ روحی، روانی و حیثیتی نیز صدمات جبران‌ناپذیری می‌بیند. اگرچه صدمات جسمی و فیزیکی پس از مدتی بهبود می‌یابند، ولی صدمات روحی، روانی و حیثیتی گاه تا آخر عمر بزه‌دیده را رها نخواهد کرد و همواره صدمات و تأثیرات اجتماعی آن بازه‌دیده همراه خواهد بود. (کاظمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳)

۳-۲-۱. سزادهی شدید

ارتکاب زنای به عنف و اکراه به مجازات اعدام زانی منجر می‌شود. چالش‌های گوناگون هم‌پیوند با مجازات اعدام و به ویژه برگشت‌ناپذیری آن همواره به انتقادات بسیاری از این مجازات انجامیده و حتی پدیداری جنبش‌های لغای مجازات اعدام را به همراه آورده است.

با این وجود دیده می‌شود که به دلیل ویژگی‌های پیش‌گفته بزه زنای به عنف، در پیش گرفتن مجازات اعدام به عنوان یکی از دو گونه مجازات سالب حیات در آن با مخالفت چندان رویارو نیست. از همین‌رو سزادهی شدید زنای به عنف در مقایسه با دیگر جرایم جای گرفته در دسته جرایم جنسی یک ویژگی بسیار مهم آن دانسته می‌شود.

۴-۲-۱. اهمیت جرایم مرتبط

زنای به عنف در شمار جرایمی است که خود به دلایل گوناگون با جرایم دیگری نیز ارتباط دارد. به این پدیده در دانش جرم‌شناسی جرایم مرتبط یا کهکشانی گفته می‌شود. از همین‌رو پاسخدهی مناسب کنشی و واکنشی در برابر آن اهمیت بسیاری دارد.

برای نمونه، زنای به عنف می‌تواند گاه همراه با جرایم علیه اشخاص خواه علیه پیکره جسمانی و خواه علیه پیکره روانی آنها باشد. افزون بر این جرایمی چون آدم‌ربایی و یا سرقت اموال نیز ممکن است در پیوند با این جرم روی دهد.

سرانجام باید دانست که زنا در بیشتر نظام‌های کیفری به دو گونه طرفینی یا مبتنی بر رضایت بزه‌کار و بزه‌دیده از یک سو و زنای به عنف تقسیم می‌شود. از همین‌رو در هنگام واکاوی پرونده زنا، تعیین طرفینی یا به عنف بودن آن اهمیت فراوانی دارد.

همان گونه که برخی از حقوق دانان جرایم منافی عفت را به هر گونه رابطه جنسی غیرمتعارف که مجاز نباشد تعریف نموده‌اند (شامبیاتی، ۱۳۸۵: ۵۴۴/۹).

۲. مبانی سزادهی زنانی به عنف

سزادهی بزه زنانی به عنف مبانی گوناگونی دارد. در ادامه مبانی گوناگون جرم‌شناختی و فقهی این بزه از نظر گذراننده می‌شود.

۲-۱. مبانی جرم‌شناختی

برای سزادهی زنانی به عنف مبانی جرم‌شناختی گوناگونی مطرح است که در ادامه شماری از این مبانی مطالعه خواهد شد.

۲-۱-۱. تقلید

تقلید نظریه‌ای جرم‌شناختی است که در قلمرو نظریات یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد و در این راستا گفته شده که انسان‌ها رفتارها یکدیگر را الگوبرداری کرده و بر حسب این که رفتار هدف مشروع یا نامشروع بود، جرم رو داده و یا آن که تنها رفتاری مجاز انجام شده است.

بدین ترتیب با توجه به این که رفتارهای جنسی افراد با احتمال تقلید بالایی رویارو است، ارتکاب رفتارهای پرخطری همانند زنانی به عنف ممکن است از سوی دیگران نیز دنبال شود. از همین‌رو سزادهی مناسب این بزه از سوی نظام کیفری ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۱-۲. خطرناکی در علوم جنایی

دیگر مبنای جرم‌شناختی سزادهی بزه زنانی به عنف، مفهوم خطرناکی است که در آغاز از سوی پیشگامان مکتب تحقیقی در ایتالیا و امروزین مطرح شد. این مکتب با رویکردهای دانش‌بنیان خود، دوران جرم‌شناسی علمی را در جنوب اروپا آغاز کرد و در چارچوب مطالعات پیگیر فناوران خود، آموزه‌های ماندگاری را در زمینه اصلاح و درمان بزه‌کاران و بالینی شدن جرم‌شناسی و حقوق کیفری مطرح کرد که تا روزگار ما نیز بر تارک نظام‌های عدالت کیفری سرتاسر جهان می‌درخشد.

آورده این مکتب روی‌آوری به ابزارها و راهبردهای مطالعاتی پوزیتیویستی و استفاده‌شده در علوم تجربی برای مطالعه پدیده مجرمانه بود. از دیدگاه این مکتب، جرم واقعی عینی، زنده و ملموس در جامعه است و از همین‌رو همه روندهای مطالعاتی علت‌شناختی و نیز پاسخ‌دهنده به آن باید مبتنی بر مشاهده و مصاحبه باشد. پیشینه شخصیت بزه‌کار، محیط‌های گوناگون انتخابی یا تحمیلی که او در آن زیسته و نیز وضعیت خانوادگی او مؤلفه‌هایی هستند که باید از سوی کنشگران نظام کیفری به منظور دستیابی به مناسب‌ترین و کارآمدترین گونه‌های پاسخ‌دهی به جرم مورد توجه قرار گیرند.

در این مکتب بزه‌کاران به دسته‌های مادرزاد، هیجانی، اتفاقی، دیوانه و به‌عادت تقسیم می‌شوند. همچنین مفهوم حالت خطرناک در این دسته‌ها در صورت وجود برخی مؤلفه‌ها قابل تشخیص است که در این صورت باید اقدامات تأمینی و تربیتی را نسبت به آنها پیاده نمود.

به طور کلی مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی ارتباط ویژه‌ای با مفهوم جرم‌شناختی خطر دارد و به عبارت دیگر، مجرمان افراد خطرناکی هستند که ریسک‌های غیرقابل قبول به شمار می‌آیند. (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۳۱) از همین‌رو نظام عدالت کیفری باید در راستای رسالت بنیادین خود از یک سو به جرایم پیشینی آنان پاسخی درخور دهد و از سوی دیگر با توجه به خطر بزه‌کاری احتمالی و آتی آنان، راهکارهای مناسبی را برای مدیریت و به حداقل رساندن این خطرات در پیش گیرد.

بر پایه این مراتب، مرتکبان بزه زنانی به عنف همواره خطرناکی بسیاری را از خود نشان می‌دهند که در صورت نادیده انگاشتن و یا حتی نمایش پاسخ‌های ناتوان در برابر آن ممکن است از سوی دیگر افراد نیز دنبال شود. از همین‌رو ضرورت دارد تا آنجا که ممکن است پاسخ‌های کیفری کنشی و واکنشی کارآمدی در برابر این بزه پیاده شود.

۲-۲. مبانی فقهی

افزون بر مبانی جرم‌شناختی، مبانی فقهی گوناگونی نیز برای سزادهی زنانی به عنف وجود دارد که در ادامه بررسی خواهند شد.

۲-۲-۱. اصل لاضرر

یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی را باید اصل لاضرر دانست که می‌تواند به عنوان مبنایی فقهی برای بزه زنانی به عنف نیز در نظر گرفته شود. بنابراین حتی در صورت نبود نصوص قانونی مورد انتظار پیرامون بزه خاصی در فقه اسلامی نیز می‌توان بر این باور بود

که می‌توان بر پایه اصول کلی و قواعد فقهی به پیاده‌سازی این نهاد که سودمندی‌های آن بر پایه مبانی پیش‌گفته آشکار است، پرداخت.

این قاعده بیش از هر چیز مبنایی عقلی دارد. در واقع، از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد موثر دارد و احکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است، قاعده لاضرر یا قاعده نفی ضرر است. با آن که نصوص شرعی متعددی بعنوان مدرک قاعده مزبور مورد استناد فقها واقع شده است. اما بدون تردید، قبح ضرر و حسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار، از احکامی است که عقل، صرفنظر از متون شرعی یا ادله نقلی، به آن حکم میکند و از مستندات عقلیه است. در واقع باید پذیرفت که لزوم جبران ضرر یک مسئله عقلی است و عقل در این خصوص بین امور وجودی و عدمی تفاوتی نمی‌گذارد. (یشربی و محمودی، ۱۳۹۷: ۱۰۵)

قاعده لاضرر یکی از ۴ یا ۵ قاعده کلی است که بسیاری از فقهای اسلام آن را اساس تشکیل فقه دانسته‌اند؛ از اینرو، بررسی و مطالعه این قاعده در مذاهب فقهی و در نتیجه، بهره‌مندی از نظرات در ابعاد مختلف آن ضروری به نظر می‌رسد. این قاعده مهم‌ترین مستند برای جلوگیری از اعمال ضرری است و از هر ضرر مادی و معنوی به آبرو، مال و جان مومنان منع می‌نماید. (مظلوم و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷) از همین‌رو مطالعه جلوه‌های آن در نظام حقوق عرفی و از جمله راهبردهای نظام کیفری در برابر پدیده‌ای همانند زنا به عنف نیز وجاهت لازم خود را داراست.

با توجه به این که زنا به عنف به دلیل ویژگی ریسک بالای خود که در مبحث پیش‌بدان پرداخته شد، ضررهای بسیار و حتی گاه جبران‌ناپذیری را برای بزه‌دیده به همراه دارد، قاعده لاضرر اقتضا دارد که در برابر آن پاسخ‌های کنشی و واکنشی مناسبی در پیش گرفته شود.

۲-۲-۲. ارزشمندی عفت و پاکدامنی در اسلام

در اسلام، رعایت عفت و پاکدامنی خواه برای مردان و خواه برای زنان الزامی ویژه است که به گونه آشکاری برآیندهای مهمی را نیز به همراه دارد.

پیشوایان دینی همواره بر ضرورت رعایت عفت تأکید کرده و مسلمانان را به پرهیز از انجام رفتارهای منافی و مخالف با آن فراخوانده‌اند. در اسلام، زنان تاریخ‌سازی چون حضرت آسیه، حضرت خدیجه و حضرت زهرا(س) با ویژگی عفت و پاکدامنی آشکار خود معرفی شده‌اند.

بدین ترتیب از آنجا که ارتکاب زنا به عنف بارزترین چهره از نقض این ارزش در جامعه است، طبیعی است که مجازاتی سخت برای آن در نظر گرفته شود.

۲-۲-۳. قبح روابط نامشروع

در آموزه‌های فقهی روابط نامشروع همواره با سرزنش بالایی بیان شده است. چندان که در قرآن کریم نیز با نهی اختیار دوست پنهانی در عبارت لامتخذی الاخذان این قبح نشان داده شده است.

از آنجا که زنا به عنف بالاترین و شدیدترین حالت از رابطه نامشروع است و حتی زنا طرفینی نیز همان‌گونه که در مبحث نخست گفته شود ارتباط آشکار و ظریفی را با زنا به عنف دارد، لازم است به مدیریت سزاوار آن پرداخته شود.

۳. علت‌شناسی زنا به عنف

پس از بررسی ویژگی‌ها، دیگر گام جرم‌شناختی برای یک بزه، مطالعه علل احتمالی ارتکاب آن است. در این مبحث نیز هر یک از علل زنا به عنف بررسی می‌شود.

۳-۱. نبود تربیت و آموزش جنسی مناسب

یکی از بایسته‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان، برخورداری وی از آموزش و تربیت جنسی است تا از این راه به میان-کنش سازنده با دیگران پرداخته و هر یک از زوایای زندگی خود را به خوبی به پیش برد.

با این وجود کاستی در راه انجام این کارویژه می‌تواند از جمله به رخداد جرایم جنسی منجر شود. چرا که بر پایه واقعیات

فیزیولوژیک، در نیرو یافتن غریزه جنسی و حتی گاه رخداد فشارهای گوناگون جسمانی و روانی بر انسان از این رهگذر تردیدی نیست.

بدین ترتیب فرد برای گریز از این تکانش‌ها به ارتکاب زنا و از آن جمله زنا به عنف می‌پردازد. حال آن که در صورت برخورداری و یا آموزش و تربیت درست جنسی امکان داشت چنین پیامد سهمگینی که افزون بر بزه‌دیده دیگر اعضای جامعه را نیز از خود متأثر می‌سازد، روی ندهد.

۲-۳. چالش‌های فراروی ازدواج

از دیرباز چهره متعارف و سنتی برآوردن میل و نیاز جنسی در انسان، ازدواج بوده است. اگرچه این پدیده چهره‌های گوناگونی داشته است، اما در هر صورت راهی مناسب برای پیشگیری از زنا دانسته می‌شده است.

با این وجود، امروزه این واقعیت پذیرفته شده است که ازدواج نکردن و گاه ازدواج نادرست می‌تواند به نوبه خود به رخداد هریک از جرایم جنسی و از آن جمله زنا به عنف نیز منجر شود. از همین رو در روایات بر گزاره‌هایی چون ساده‌سازی ازدواج تأکید شده است.

۴. پیشگیری از زنا به عنف

پیشگیری در دانش جرم‌شناسی به دو گونه کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شود. در این مبحث، گونه‌های پیش‌گفته از زنا به عنف واکاوی می‌شوند.

۱-۴. پیشگیری کیفری از زنا به عنف

منظور از پیشگیری کیفری، کیفیت بخشیدن به واکنش اجتماعی در برابر یک بزه است. از این دیدگاه با استفاده از آموزه‌های دانش کیفرشناسی باید به کیفی‌سازی مجازات یک بزه پرداخت تا از این راه هر یک از اهداف مقرر از پیش‌بینی آن به طور کامل تحقق یابد.

با توجه به پیش‌بینی مجازات اعدام برای مرتکب زنا به عنف تردیدی وجود ندارد که پیاده‌سازی این مجازات و خودداری از عدم احراز ویژگی عنف در موارد واقعی آن به منظور گریز از اعدام می‌تواند در راه پیشگیری کیفری از این بزه تأثیر فراوانی داشته باشد.

۲-۴. پیشگیری غیرکیفری از زنا به عنف

پیشگیری غیرکیفری از زنا به عنف دارای سه گونه موقعیت‌مدار؛ اجتماعی و زودرس است که در ادامه از نظر گذرانده می‌شوند.

۱-۲-۴. پیشگیری موقعیت‌مدار

اولین دسته از پیشگیری‌های جرم‌شناختی، پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی^۱ است که گاه پیشگیری فنی از جرم نیز خوانده می‌شود. این گونه از پیشگیری به ویژه با توجه به سادگی و در دسترس بودن خود برای عموم شهروندان، در کانون توجهات نویسندگان جرم‌شناسی و نیز نهادهای اجرایی قرار گرفته است.

در این نوع پیشگیری، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه آماج سیاست‌گذاری کنشگران سیاست‌جنایی قرار می‌گیرد. اقدامات وضعی پیشگیرنده ناظر به اوضاع و احوال و شرایطی است که بزه‌کار را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. بدین ترتیب مداخله در شرایط پیش از جرم بنیادی‌ترین ویژگی پیشگیری‌های موقعیت‌مدار است که باید بر پایه هر جرم به گونه‌ای افتراقی و متناسب با آن انجام شود.

پیشگیری وضعی به عنوان یکی از روش‌های پیشگیری با چالش‌هایی نیز رویارو است. با وجود این چالش‌ها، باز هم باید پیشگیری موقعیت‌مدار از جرایم گوناگون و از جمله جرایمی چون زنا به عنف را در شمار بایسته‌های مهم مدیریت کیفری در این راستا دانست.

در همین راستا، پیشگیری وضعی شامل مسئول کردن کل جامعه در قبال خطر مجرمانه و خطر بزه‌دیده‌شناختی می‌شود به گونه‌ای که شهروندان، خود در مراقبت از خود و اموال مشارکت کنند. بنابراین همان گونه که آشکار است، تأثیرات این نوع پیشگیری در جهت نگاهداری نظم و امنیت و پیشگیری از تکوین بزه‌کاری بسیار ملموس و مستقیم است.

از چشم‌انداز پیاده‌سازی رهیافت پیشگیری موقعیت‌مدار در برابر زنانی به عنف نیز برای نمونه، استفاده سازه‌های نظام عدالت کیفری و نیز دیگر نهادهای هم‌پیوند از فناوری‌های نوین برای رهگیری کنش‌های مجرمان در راه پیشگیری از این جرم بسیار اثرگذار است. چندان که با استفاده از این فناوری‌ها می‌توان حتی احتمال ارتکاب زنانی به عنف را از سوی افرادی که در معرض خطر ارتکاب این بزه هستند سنجید و متناسب با آن پاسخ‌هایی سزاوار را در پیش گرفت.

۲-۲-۴. پیشگیری اجتماعی

در نوشتگان جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی^۱ در برابر پیشگیری وضعی به کار می‌رود و به دو دسته اجتماع‌مدار و رشد‌مدار تقسیم می‌شود. پیشگیری اجتماعی بر مبنای رویکرد عوامل بزه کاری مبتنی است و به دنبال تعیین عوامل بزه کاری، سازمان‌دهی برنامه‌هایی به منظور مقابله با آن و تغییر شرایط اجتماعی-اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می‌کند و منشأ رفتارهای ضداجتماعی وی می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۹)

بدین ترتیب جرمی همانند زنانی به عنف نیز با توجه رخداد مخاطرات گوناگون جرم‌شناختی خود باید از چشم‌انداز پیاده‌سازی این رهیافت مورد توجه قرار گیرد تا از این راه بتوان افزون بر پیشگیری موقعیت‌مدار، راهبرد مناسب دیگری را برای کوشش در راه کاستن از پیامدهای گوناگون نامطلوب آن در نظر داشت.

بدیهی است که جهت به کارگیری ابزارهای پیشگیری اجتماعی، داشتن شناختی ژرف از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف امری بسیار مهم است. اما در همین راستا، باید با بهره‌گیری از سیاستی همه‌جانبه و ساختارمند از فاصله‌گذاری سیاست‌های تقنینی و اجرایی جلوگیری کرد. در نتیجه در هر مورد برای پیشگیری اجتماعی از رخداد زنانی به عنف مناسب است چگونگی کاستن از احتمال رخداد خاستگاه‌های گوناگون آن را نیز در نظر داشت.

چرا که تردیدی وجود ندارد که پیروزمندی در راه پیاده‌سازی پیشگیری‌های گوناگون جرم‌شناختی و از جمله پیشگیری اجتماعی از جرایم و زمینه‌های متعددی که در راه رخداد زنانی به عنف اثر دارد، بی‌گمان بر شمارگان ارتکاب این دسته از جرایم نیز پیامدی آشکار گذارده و جامعه را از گزند هزینه‌های گاه سنگین ناشی از این گونه جرایم ایمن نگاه می‌دارد.

در کنار این امر می‌بایست به فرهنگ و دیگر وجوه زندگی انسانی در یک مکان نیز توجه داشت. از این راه می‌توان با توجه به نوع بزه مشمول تدابیر پیشگیری اجتماعی، ضریب کامیابی این تدابیر را تا میزان نمایانی بالا برد. برای نمونه، راهبردهای مربوط به پیشگیری اجتماعی از جرایم نمی‌تواند در کشورهای گوناگون به یک شکل اجرا شود. امری که به طور شفاف مورد تأکید سازمان ملل متحد نیز قرار گرفته و بومی‌سازی این راهبردها پیش‌بینی شده است.

این بومی‌سازی در یک کشور نیز باید در هنگام مبارزه با خشونت جنسی علیه زنان و از جمله زنانی به عنف در چهره شدیدترین گونه آن و یا هر یک از جرایمی که هم‌پیوند، مورد توجه قرار گیرد. چرا که جوامع محلی هر یک مقتضی رخداد گونه‌های خاصی از یک جرم هستند و در نتیجه پاسخ‌دهی کنشی بدان نیز باید در بسیاری از موارد همین‌گونه باشد.

اعلامیه کنگره چهارم پیشگیری از جرم که به اعلامیه توکیو مشهور شد و در ۲۱ می ۱۹۷۱ در قالب قطعنامه به تصویب رسید، تأکید می‌کند که تدابیر مؤثر باید به منظور هماهنگ کردن و تشدید تلاش‌های معمول در قلمرو پیشگیری از جرم، مناسب با فضای توسعه اقتصادی و اجتماعی که هر کشور برای خود برنامه‌ریزی کرده است، اتخاذ گردد. در غیر این صورت ممکن است پاسخ‌های کنشی پیش‌گفته هرگز به رخداد پیامدهای موردانتظار در راه کنترل جرایم مدنظر منتهی نشود.

بنابراین در هنگام رویارویی با جرایم گوناگون نیز در آغاز باید همه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی یک کشور، منطقه پیرامونی و در پایان، نظام جهانی به دقت ارزیابی شود و در کنار بهره‌گیری از پاسخ‌های سازگارانه پیشگیرنده و سرکوبگرانه در برابر آن، از پاسخ جایگزین که در نظام‌های دیگر وجود دارند نیز در صورت لزوم استفاده شود.

در این راستا، انجام پژوهش‌های میان-رشته‌ای و به ویژه الگوگیری از دستاوردهای جرم‌شناختی دیگر کشورها می‌تواند بسیار مناسب و سودمند باشد. به ویژه در پرتو جهانی شدن جرم و حقوق کیفری، همکاری‌های بین‌المللی پیش‌گفته می‌تواند نظام‌های عدالت کیفری را در برابر پیامدهای گوناگون جرایم پیروزمند سازد.

در این صورت با توجه به اثرگذاری بیش از پیش انگاره‌های جامعه‌شناختی در آورده‌های جرم‌شناسی می‌توان انتظار داشت که راهبردهای پیشگیری اجتماعی از جرایمی چون زنا به عنف و جرایم هم‌پیوند آن نیز در پرتو پیمایش‌های تطبیقی جرم‌شناختی از جوامع دیگر به کشورمان وارد شود.

۳-۲-۴. پیشگیری زودرس

پیشگیری زودرس ناظر به کودکان و نوجوانان است و می‌کوشد تا با ارایه رهنمودهای متناسب از ارتکاب جرم از سوی آنان پیشگیری کند. پیشگیری از زنا به عنف نیز افزون بر گونه‌های موقعیت‌مدار و اجتماعی می‌تواند از راه پیشگیری زودرس نیز انجام شود. در این راستا نهادهای خانواده و نظام آموزشی باید با نمایش آشکار پیامدهای گوناگون جسمانی، روانی و اجتماعی زنا به عنف کودکان را از مخاطرات این بزه آگاه کنند تا احتمال روی‌آوری آنان به این بزه تا اندازه بسیاری کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

مجازات جرم همواره و در سرتاسر تاریخ حقوق کیفری یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارویژه‌های نظام‌های عدالت کیفری بوده و از چشم‌اندازهای گوناگون اهمیت بسیاری داشته است. بدین ترتیب پس از گذار تحولات آشکار در چگونگی کیفر دادن مجرمان، دانش کیفرشناسی در جایگاه شاخه‌ای از علوم جنایی باروری یافت و اندیشه‌های ویژه‌ای برای چگونگی سزادهی مجرمان در عمل به کار رفت.

کیفردهی مرتکبان جرایم جنسی همواره با چالش‌های ویژه‌ای همراه بوده و البته مقتضیات خاصی را نیز داشته است. چرا که این جرایم با نقض حقوق بنیادین انسان در پیوند با غریزه جنسی که خود البته آمیخته با ویژگی‌هایی چون شرم و حیا است، ارتباطی آشکار داشته است.

در میان جرایم جنسی، زنا و آن هم زنا به عنف بیش از دیگر گونه‌ها دغدغه‌های قانونگذاران، حقوقدانان کیفری و نیز افکار عمومی را برای پاسخدهی مناسب بدان به میان آورده است. از همین رو، مطالعه جرم‌شناختی این جرم که ناظر به علت‌شناسی و نیز پاسخ‌شناسی آن است، می‌تواند در پردازش سزاوارترین راهکارهای مهار این جرم نقشی مهم داشته و امیدواری‌ها را برای مدیریت کیفری مناسب آن افزایش دهد.

در این میان، زنا به عنف در جایگاه شنیع‌ترین گونه از جرایم جنسی با واکاوی‌های جرم‌شناختی و سپس بهره‌گیری نظام کیفری از دستاوردهای آن می‌تواند به گونه مناسب‌تری مدیریت شده و برآیندهای مهمی را پدیدار سازد.

شکوفایی نظری و عملی دانش جرم‌شناسی، چشم‌اندازهای نوینی را برای پاسخدهی سزاوار نظام‌های کیفری در برابر هر یک از اشکال جرم گشوده و امیدها را برای پیاده‌سازی پیروزمندانه راهکارهای مدیریت کیفری افزایش داده است.

از میان گونه‌های پیشگیری در برابر زنا به عنف، اتکا به پیشگیری کیفری نمی‌تواند لزوماً کارساز باشد. البته این سخن به مفهوم نادیده انگاشتن اهمیت بازدارندگی عام و خاص از زنا به عنف که بی‌گمان با تحمیل مجازات مناسب بر مرتکب به دست می‌آید نیست.

به بیان دیگر، پیامدهای زیانبار زنا به عنف تا آن اندازه زیاد است که به جای تمرکز بر مجازات مرتکب باید درصدد پیشگیری از آن بود. انواع گوناگون پیشگیری جرم‌شناختی از زنا به عنف که در این نوشتار از آن سخن گفته شد می‌تواند با کاستن از احتمال ارتکاب این جرم، مانعی مهم در برابر پیامدهای خطرناک پیش‌گفته باشد.

همانند هر یک از دیگر جرایم، زنا به عنف نیز معلول عوامل فردی و اجتماعی گوناگونی است. شناسایی دقیق این عوامل می‌تواند به پیاده‌سازی کارآمدترین پاسخ‌های پیشگیرانه در برابر آن انجامیده و تا آنجا که ممکن است مانع از تحقق پیامدهای خطرناک آن شود.

برای دستیابی به این هدف، آگاهی از هر یک از ویژگی‌های گوناگون زنا به عنف و سازماندهی روندهای پاسخدهی کنشی یا پیشگیرانه در برابر آن بسیار اهمیت دارد و مدیریت کیفری سزاوار آن را به همراه می‌آورد.

در راستای یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از رویکردهای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، عوامل محیطی

اثرگذار در ارتکاب زناى به عنف شناسايى و راهبردهاى پيشگيرانه مناسب با توجه به آنها تدوين شود. افزون بر اين لازم است با تقويت نهاد خانواده به عنوان واحد بنيادين جامعه اسلامى تا آنجا كه ممكن است در راه مهار هر چه بيشتر زمينه‌هاى گوناگون هر يك از جرايم جنسى و از جمله زنا كوشش شود.

منابع

۱. ابراهيمى، شهرام (۱۳۹۰). *جرم شناسى پيشگيرى*، چاپ اول، تهران: انتشارات بنياد حقوقى ميزان.
۲. حسانى، جلال الدين؛ ميرخليلى، سيدمحمود؛ نظرى نژاد، محمدرضا (۱۴۰۰). رهيافت مديريت ريسك جرم و جلوه‌هاى آن در نظام عدالت كيفرى ايران، *پژوهشنامه حقوقى كيفرى*، ۱۲(۱)، ۵۲-۲۷.
۳. شامبياتى، هوشنگ (۱۳۸۵). حقوق كيفرى اختصاصى، تهران: ژوبين.
۴. كاظمى، سيدسجاد؛ چگينى، حامد؛ احمديانى، محمدمامين؛ فرزانه، نغمه (۱۴۰۰). بازپژوهى فقهى پذيرش توبه در زناى به عنف؛ با تكيه بر مفهوم و معيارهاى تمميز حق الله يا حق الناسى بودن جرائم، *مجله فقه جزاى تطبيقى*، ۱۱(۱)، ۱۶-۱.
۵. مظلوم، عليرضا و ديگران (۱۳۹۶). تبين قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهى، *مجله پژوهش ملل*، ۲(۲۳)، ۳۰-۱۷.
۶. وليدى، محمدصالح (۱۳۸۰). *جرايم عليه عفت و اخلاق عمومى*، تهران: امير كبير.
۷. يثربى، سيد على محمد؛ محمودى، جواد (۱۳۹۷). اثبات حكم با قاعده لاضرر، *مجله پژوهش هاى فقهى*، ۱۴(۱)، ۱۲۵-۱۰۵.

8. Piquero, Alex (2016), *The Handbook Of Criminological Theory*, Sage Publication, London.

References:

- Ebrahimi, Sh (2011). *Prevention criminology*, Tehran: Publications of Mizan Legal Foundation. (in Persian)
- Hassani, J; Mirkhalili, S.M; Nazarinejad, MR (2021). Risk Management Approach and its Effects on Iran's Criminal Justice System, *Criminal law Research*. 12(1), 27-52. (in Persian)
- Kazemi, S.S and others (2021). Juridical Re-examination of Accepting Repentance in Rape, *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*. 1(1), 1-16. (in Persian)
- Mazloom, A and others (2017). Explanation of the rule "La Zarar va La zarar" in Jurisprudential topics, *Journal of research of nations*, 2(23), 17-30. (in Persian)
- Shambayati, H (2006). *Dedicated criminal law*, Tehran: Xhoobin. (in Persian)
- Validi, M (2000). *Crimes against chastity and public morality*, Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Yathrebi, A.M; Mahmoodi, J (2018). Proving the Judgment by No-Harm Rule, *Islamic Jurisprudence Research*, 14(1), 105-125. (in Persian)